

مدرس و ترور نافرجام او

۳۰ خرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۱:۵۳

مدرس از این ترور نیز جان سالم به در برد، هر چند یکی از گلوله‌های شلیک شده به کتف او اصابت کرد و باعث زخمی شدن او شد. با این حال این ترور نیز باعث سکوت مدرس نشد و او همچنان به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه داد. تا جایی که رضاشاه برای مقابله با او، چاره را در دستگیری و تبعید مدرس دید.

[آیت‌الله سیدحسین مدرس](#) یکی از برجسته‌ترین رهبران ملی-مذهبی در دوره قاجار و پهلوی اول است. این روحانی عالیقدر به دلیل مبارزات سیاسی خود با رضاشاه بارها مورد سوقصد، شکنجه و آزار قرار گرفت. او یکی از مخالفان سرسخت رضاشاه بود و به همین دلیل علاوه بر آنکه بارها مورد تهدید قرار گرفت، یک بار هم به صورت جدی از سوی عوامل حکومت مورد ترور واقع شد؛ اما توانست از آن جان سالم به در برد. علت ترور مدرس متأثر از سیاست‌های آشکار و علنی او علیه رضاخان بود. بر اساس این توضیح کوتاه در ادامه به تشریح کامل این موضوع و نحوه سوقصد به جان آیت‌الله مدرس پرداخته می‌شود.

مدرس، فعالیت‌های سیاسی و سوقصد به جان او

آیت‌الله مدرس فعالیت‌های سیاسی خود را از دوره قاجار آغاز نمود. او از همان آغاز با استثمار داخلی و استعمار خارجی مخالف بود. در زمان صمصام‌السلطنه و در ایامی که به تدریس مشغول شد، به دلیل گرایش‌های سیاسی خاص خود مورد سوقصد قرار گرفت. مدرس در آن زمان به وضع طلاب و مدارس علمیه و موقوفات آن‌ها رسیدگی می‌کرد و متولیان را تحت فشار قرار می‌داد تا درآمد موقوفات را به مصرف طلاب برسانند. تسلیم ناپذیری او در مقابل کارهای خلاف و امور غیرمنطقی بر گروهی سودجو و فرصت طلب ناگوار آمد و تصمیم بر ترور او گرفتند. اما با شجاعت مدرس و رفتار شگفت‌انگیز او این ترور نافرجام ماند.^۱

مدرس از مخالفان سلطه بیگانگان بر کشور بود و در قرارداد ۱۹۱۹، رهبری مخالفان را در دست داشت. او در در زمان جنگ جهانی دوم نیز مورد ترور ناموفق مخالفان قرار گرفت. مدرس در آن برهه عضوی از کمیته دفاع ملی بود. این کمیته نقش مهمی در دفاع از کشور در برابر تجاوز بیگانگان داشت. گفته می‌شود در آن دوره روسیه و انگلیس به دلیل مواضع ضداستعماری مدرس، نقشه‌ای برای ترور او طراحی کردند که ناکام ماند. مدرس علاوه بر اینها یک بار دیگر در دوره رضاشاه مورد سوقصد جدی قرار گرفت.

ترور مدرس در دوره رضاشاه

ترور سوم مدرس در سال ۱۳۰۵ و از سوی عوامل حکومت پهلوی صورت گرفت. علت این ترور، مواضع ضداستعماری و

ضدحکومتی مدرس علیه رضاخان بود. موضعی که پیش از آن نیز باعث دستگیری مدرس شده بود. چنانچه او پس از کودتا [۲۱ فوریه ۱۹۲۱] به دستور رییس الوزرای وقت، سید ضیاءالدین، به اتهام فعالیت‌های ضدانگلیسی دستگیر شد و به زندان افتاد. او در مجلس چهارم [۱۹۲۳-۱۹۲۱] رهبر اکثریت بود و از کابینه قوام السلطنه حمایت می‌کرد.^۲

قوام السلطنه یکی از رقبای اصلی رضاشاه بود و رضاشاه نظر چندان مساعدی نسبت به او نداشت. آیت‌الله مدرس در جریان جمهوری رضاخان نیز رهبری مخالفان را درست داشت. علیرغم آنکه رضاخان توانسته بود در چند سال اول زمامداری خود به اشکال گوناگون نظر مساعد بسیاری از علما را جلب نماید؛ اما مدرس هیچ‌گاه از رضاشاه حمایت نکرد.^۳

از جمله مدرس در مورد جمهوری خواهی رضاشاهی معتقد بود جمهوری خواهی فرآیندی است که باید از مردم آغاز شود و نه از سمت قدرت مرکزی، آن هم به صورت تحمیلی. از سویی «مدرس با اقتدار بیش از حد رضاخان مخالف بود. از این رو در مجلس و خارج از آن به عنوان مهمترین مخالف رضاخان شناخته می‌شد.»^۴ والاس اسمیت موری، کاردار سفارت آمریکا در رابطه با مدرس و مقابله او با رضاشاه آورده است:

«وی از لحاظ سیاسی کاملاً بر تجار بازار مسلط است و تلاش‌های بی‌وقفه رئیس‌الوزرا (رضا) برای پراکنده کردن همراهان او تاکنون بی‌فایده بوده است. او هرگز به سوء استفاده از جایگاه خود متهم نشده است... وی سرسخت‌ترین دشمن چیزی است که خود او آن را «حکومت کودتا» نامیده است و از زمانی که سردار سپه بر مسند ریاست وزرا تکیه زده است، رهبری جناح مخالف را بر عهده دارد.»^۵

این مواضع برای رضاشاه غیرقابل تحمل بود و از این رو تلاش می‌کرد تا به هر طریقی او را برکنار نماید. مدرس علاوه بر اقدامات علنی خود علیه رضاشاه، در مجلس چهارم نیز موضوع استیضاح رضاخان را مطرح نمود. البته این طرح رأی لازم را نیاورد؛ اما باعث شد تا رضاخان تهدید مدرس را جدی و اساسی تلقی نماید. مدرس در دوره ششم مجلس ریاست سنی مجلس را عهده دار بود در این مقطع مدرس و طرفدارانش تحت فشار بیشتری بودند و آن سید وارسته کمتر به مجلس می‌رفت و بیشتر مشغول تدریس بود و وقتی مخالفان و معاندان مشاهده کردند که فریاد حق طلبی مدرس خاموش نخواهد شد تصمیم به ترور او گرفتند.^۶

مدرس از این ترور نیز جان سالم به در برد، هر چند یکی از گلوله‌های شلیک شده به کتف او اصابت کرد و باعث زخمی شدن او شد. با این حال این ترور نیز باعث سکوت مدرس نشد و او همچنان به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه داد. تا جایی که رضاشاه برای مقابله با او، چاره را در دستگیری و تبعید مدرس دید. از این رو مدرس در مهر ۱۳۰۷ دستگیر شد و سپس به دامغان، مشهد و نهایتاً خواف تبعید شد. او تا سال ۱۳۱۶ در تبعید ماند و نهایتاً در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ دار فانی را وداع گفت. بعد از انتشار خبر مرگ مدرس، بسیاری از مسموم شدن او شهادتش خبر دادند، هر چند رضاشاه تلاش نمود تا مرگ او را طبیعی جلوه دهد، اما به اعتقاد بسیاری مدرس تحت شکنجه و با مسمومیت به شهادت رسید.

سخن نهایی

آیت‌الله مدرس از معدود شخصیت‌هایی است که بعد از روی کار آمدن رضاخان به مخالفت با او برخاست. بعد از اینکه رضاخان با کودتای ۱۲۹۹ وارد عرصه قدرت گردید، بسیاری از سیاستمداران به دلایل مختلف به او پیوستند و بعد از گذشت چند سال به مخالفت با او برخاستند. اما مدرس از همان ابتدا به نیت رضاخان پی برد و با سیاست‌های او مخالفت نمود. مدرس در بسیاری از

موضوعات از جمله جمهوری رضاخان به مخالفت سرسختانه پرداخت و قاطعانه طرح استیضاح رضاخان را مطرح کرد. در نهایت مواضع ضدحکومتی او نیز باعث ترور و در نهایت شهادت وی شد.

فهرست منابع

۱. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۲، قم، نشر معروف، چاپ دوم، ۱۳۸۲، ص ۴۲۹.
محمدقلی مجد، رضاشاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجم مصطفی امیری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷.
حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰.
همان، ص ۲۰۲.
محمدقلی مجد، از قاجار به پهلوی ۱۲۹۸-۱۳۰۹ بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجمین سیدرضا مرزانی، مصطفی امیری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۴.
جمعی از پژوهشگران، همان، ص ۴۳۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/48393/او-نافرجام-ترور-مدرس-48393>